وهابيت از نگاهي ديگر

آنچه پيش روي داريد قسمتي از ديدگاه‏هاي جناب حجةالاسلام والمسلمين حسيني‏قزويني، از اساتيد حوزه مي‏باشد که در رد وهابيّت صورت گرفته و تقديم حضورتان مي‏گردد.

ضمن تقدير و تشکّر از بزرگواراني که بذل محبت کردند و در خدمتشان‏هستيم، بايد بگويم از قرن هفتم و هشتم با گسترش موج هجمه‏ها و تبليغات‏دشمنان تشيّع، شيعه به عنوان مذهبي مبتني بر بدعت و ساخته و پرداخته‏يهود و با هدف تخريب اسلام و مبارزه با قرآن در جغرافياي جهان اسلام معرّفي‏گرديد. ابن تيميّه تئوريسين وهابي‏ها در کتاب (مِنهاج السُّنَّة) که تقريبااساسي‏ترين کتاب ايشان محسوب مي‏شود، در جلد اوّل از صفحه 21 تا 27 به‏موارد متعدّدي مبني بر تشابه مذهب شيعه به يهود و مسيحيّت اشاره مي‏کند.وي نظريات خود را بي‏ادبانه و آميخته با فحاشي‏هاي غير قابل پذيرش از سوي‏يک مسلمان، مطرح نموده است.

انقلاب اسلامي ايران و آغاز موج بيداري منبعث از نفحات اين خيزش الهي،بافته‏هاي فراوان وهابيّت را از ميان برد، چرا که تأسيس حکومتي مبتني برمباني فرهنگ شيعي به تمام دنيا ثابت کرد که مذهب شيعه برخاسته از متن‏قرآن و منطبق با سنّت راستين رسول اکرم(ص) بوده و بهترين الگو را براي‏بيداري ملّت‏ها پيش‏بيني نموده است. طبق آماري که از مراکز مختلف اخذگرديده طي 20 سال اخير افرادي که متوجّه فرهنگ غني شيعه گرديده و به‏جرگه مستبصرين پيوسته و به مذهب اهل بيت درآمده‏اند پنج هزار برابر 14قرن گذشته مي‏باشند. اخيراً يکي از مراکز پژوهشي قم به نام (مرکز الْأَبْح اث‏الْعقائديّه) کتابي تحت عنوان (موسوعَةٌ مِنْ حياةِ الْمُستبصرين) تأليف کرده که تاکنون 14 جلد آن چاپ شده است. در بعضي از صفحات کتاب‏فرد مستبصر را در يک صفحه يا نصف صفحه معرّفي کرده‏اند.

مسئول اين مؤسسه طي توضيحات خود در خصوص اين مجموعه اعلام‏داشت، مواردي که در اين کتاب آورده شده مصداق ضرب المثل مشت نمونه‏خروار است و اگر بخواهيم پژوهشگران، انديشمندان، محققان، اساتيددانشگاهها، دانشجويان يا طلبه‏هايي را که به اين طيف پيوسته‏اند در اين کتاب‏بياوريم به يقين اين دوره به بيست برابر افزايش خواهد يافت و به 300 جلدخواهد رسيد. استاد شهيد مرتضي مطهري(ره) مي‏گويد: من يقين دارم‏انقلاب اسلامي مبتني بر فرهنگ شيعه در آينده‏اي بسيار نزديک مرزهاي‏جغرافيايي را در هم مي‏نوردد و اين فرهنگ در سراسر گيتي منتشر مي‏گردد.امّا به موازات گسترش فرهنگ شيعي سيل عظيمي از شبهات نيز متوجّه اين‏فرهنگ خواهد شد.

بدين سان هجمه‏ها بعد از انقلاب اسلامي رنگ و بوي ديگري گرفت به‏نحوي که در طول 14 قرن گذشته بي‏سابقه بوده است.

اوّلين کتابي که عليه شيعه نوشته شده کتاب جاحظ (م 255 ه ) است که‏شيخ مفيد از علماي بزرگ شيعه کتابي در ردّ آن به رشته تحرير درآورد.اِسْکافي از علماي اهل سنّت نيز کتابي در ردّ آرا و شبهات انحرافي حاجظدارد. همچنين کتاب (قاضي عبدالجبّار معتزلي) به نام (المُغني فِي‏الْاِمامة) ، کتاب (إبطال الباطل) نوشته قاضي فضل بن روزبهان، و کتاب(تحفه اثني عَشَريّه دهلوي) در زمره کتاب‏هاي قديمي عليه شيعه‏محسوب مي‏شوند.

هم‏اکنون نيز کتابهايي که (احسان الهي ظهير) نوشته به عنوان کتاب‏هاي‏مصدر در طرح شبهات عليه شيعه مطرح مي‏باشد. از ديگر کتاب‏هايي که طي يکي‏دو دهه گذشته در خط مقدّم جبهه تهاجم عليه شيعه ميدان‏داري مي‏کند کتاب‏دکتر (ناصر قفاري) است. وي از اساتيد دانشگاههاي عربستان سعودي وبالاخص رياض مي‏باشد. کتاب ايشان با نام (اصول مَذْهب الشيعة الْاثني‏عَشريّه) هم‏اکنون به عنوان کتاب درسي در مقطع کارشناسي ارشد تدريس‏مي‏شود. گستره نشر اين کتاب مرهون پشتيباني و حمايت‏هاي مالي فراوان‏دولت عربستان سعودي است.

در واقع اين اثر مفصّل‏ترين کتابي است که طي 15 قرن گذشته عليه شيعه‏به رشته تحرير درآمده است. اين کتاب امروزه مورد توّجه و تأييد بسياري ازمفتيان عربستان قرار دارد. آنها رمز آشنايي با فرهنگ شيعه را در مطالعه وتعمّق پيرامون مستندات اين کتاب جستجو کرده‏اند و در ارجاعات خود از اين‏کتاب بهره مي‏برند. در کشور قطر نيز شخصي به نام (دکتر علي سالوس)کتاب‏هاي متعددي عليه شيعه به رشته تحرير درآورده است.

متأسفانه سال گذشته کتابي تحت عنوان (الشّيعَةُ والتَّصْحيح) به قلم‏دکتر موسي موسوي منتشر گرديد. به استناد سخن حضرت آيت‏الله العظمي‏سبحاني سال‏هاي قبل صدام رئيس جمهور معدوم عراق در يکي از نطق‏هاي‏خود در مورد اين کتاب گفته بود، (اگرچه هشت سال جنگ با ايران براي ماهيچ‏گونه فايده‏اي نداشت، امّا تأليف اين کتاب براي پيروزي ما کفايت‏مي‏کند.) اين کتاب سال گذشته در مراکش با تيراژ 8 ميليون جلد انتشار يافت ودر کشورهاي مختلف اسلامي به صورت رايگان توزيع گرديد. همچنين در ديگرکشورهاي اسلامي با تيراژي معادل 2 ميليون جلد منتشر شد. مطابق‏توضيحات فوق سؤالي مطرح مي‏شود که در برابر چنين کتابي با اين گستردگي،به صورت سازمان يافته چند صفحه و پاسخ و ردّيه تهيّه و تنظيم شده و چه‏کساني پاسخ داده‏اند؟ آيا توانسته‏ايم در برابر موج مخرّب اين کتاب مقابله‏جدّي و در خور شأني داشته باشيم؟

هم‏اکنون بيش از 50 شبکه ماهواره‏اي به زبان‏هاي مختلف به صورت‏حساب شده و سازمان‏يافته در حال فعاليّت و شبهه‏پراکني عليه شيعه‏مي‏باشند. در کشور امارات متحده عربي بعد از نماز صبح به مدّت دو ساعت‏مبلّغي افغاني و ضدّ شيعي به زبان فارسي به ايراد سخن مي‏پردازد. اين برنامه‏مرتباً از شبکه ماهواره‏اي (ألشّارقه) و با حمايت مستقيم دولت امارات‏متحده عربي پخش مي‏گردد. در کشور کويت شخصي به نام (عثمان‏الْخَميس) با تربيت يکصد و پنجاه نفر و آموزش فنون مناظره، آنان را براي‏مباحثه و مقابله با شيعيان هدايت کرده است. اين نويسنده بالغ بر پانزده جلدکتاب عليه شيعه تدوين نموده است.

متأسفانه حوزه‏هاي علميه، دانشگاهها و مراکز فرهنگي ما به دليل بي‏توجهي وکم‏اهميّت شمردن اين موج خطرناک، تصميم و سياست‏هاي عاجلي اتخاذنکرده و استراتژي مشخصي ترسيم ننموده‏اند، بنابراين نيروي متخصص وکارآزموده براي مقابله با اين تهديدات تربيت نشده و متأسفانه تعداد اين افراد ازانگشتان دست فراتر نمي‏رود. به استناد آمار و تحقيقاتي که توسط (مرکزالْأَبْحاث العقائديّه) صورت گرفته مجموعه کتاب‏هاي اساسي وهابيون عليه‏شيعه، حدود پنج هزار عنوان بوده است که با بررسي‏هاي انجام گرفته حدود 75درصد اين کتاب‏ها بعد از پيروزي انقلاب اسلامي نگاشته شده‏اند. بنابراين به‏تعبير رياست محترم اين مرکز طي 30 سال گذشته 2/5 برابر طول قرون‏گذشته کتاب‏هاي ضد شيعي منتشر و توزيع شده است. يکي از مراجع بزرگوارحوزه هم‏اکنون کتابي دارند تحت عنوان (جوان شيعه پاسخ مي‏دهد) ايشان‏در ابتداي اين کتاب به حضور و فعّاليت چهل‏هزار سايت وهابي با دامنه‏اي‏وسيع به صورت شبانه‏روزي، براي تبليغ وهابيّت و معارضه با اعتقادات شيعي‏اشاره کرده‏اند. در حالي که با نگاهي خوشبينانه جمع سايت‏هاي شيعياني که درعرصه داخلي و خارجي براي امر تبليغ و پاسخ به شبهات از قلمرو اينترنت بهره‏مي‏برند از پنج هزار مورد فراتر نمي‏رود.

کشور عربستان سعودي داراي 12 شبکه ماهواره‏اي مي‏باشد. از اين تعدادشبکه ماهواره‏اي (قَناة الْمَجدُ الْفَضائيّه) تقريباً تمام برنامه‏هاي خود رابا راهبردي ضدّ شيعي تهيّه و پخش مي‏نمايد. اين شبکه هر هفته به مدّت دوساعت برنامه و گفتگوي زنده و مستقيم با (آل شيخ) مفتي اعظم عربستان‏سعودي دارد. ايشان در اين برنامه به عنوان بالاترين مقام علمي و سياسي‏وهابيون به پرسش‏هاي مکتوب و تلفني ارسالي از دورترين نقاط دنيا پاسخ‏مي‏دهد.

سؤال: با معيار قرار دادن قبل و بعد از انقلاب اسلامي مشخص مي‏شودسرمايه‏گذاري عظيم وهابيون و توجّه و تأکيد فراوان آنان براي مقابله و تخريب‏تشيّع دال بر قدرت و قوّت ماست. البته اخيراً نوک پيکان تهديدات آنان بر روي‏اعتقاد عميق ما به مهدويت يعني نقطه قوّت نظام جمهوري اسلامي و مشروعيّت‏نظام ولايت فقيه نشانه رفته است. آنان مدّتي است صراحتاً و وقيحانه وجود امام‏عصر(عج) را زير سؤال مي‏برند با توجّه به اين رويکرد، پاسخ و تحليل‏جنابعالي در خصوص اين شبهه چيست؟

پاسخ: جديدترين شبهه در حوزه مهدويت توسط (قرضاوي) رئيس‏اتحاديّه علماي جهان اسلام مطرح گرديده است. هم‏اکنون صحبت‏هاي‏نامتناسب ايشان توسط (روزنامه الوطن) در عربستان منعکس مي‏شود.همچنين روزنامه (اَلْيَوم) کشور مصر نيز آراء و عقايد ضد شيعي وي را باجدّيت دنبال مي‏کند و نسبت به انتشار آن اهتمام فراواني دارد. پاسخ‏هاي بنده‏به شبهات ايشان تنظيم و در دسترس کاربران محترم قرار دارد. به جهت‏ضرورت بنا دارم دو يا سه جلسه ديگر براي پاسخگويي به شبهات (قرضاوي)اختصاص داده و در سايت خود آن را در اختيار عموم قرار دهم.

امّا در مورد مهدويت بايد بگويم دو چهره از آن نزد وهابيت مترتّب است.الف. مهدويت نوعي. ب. مهدويت شخصي.

الف) مهدويت نوعي: در حقيقتِ مهدويت نوعي اجماع وجود دارد. حتّي(بن‏باز) مفتي اعظم سابق عربستان سعودي در يکي از مجلات وابسته به‏دانشگاه اسلامي مدينه (سال اوّل) عنوان مي‏دارد: (عقيده به مهدويت‏اعتقاد قطعي اهل سنت بوده و رواياتي متواتر در ارتباط با مهدويّت وجود دارد.اگر کسي درصدد انکار اين حقيقت برآيد، يا جاهل و نادان بوده يا فردي معاندمحسوب مي‏شود.) در اين ارتباط حتّي بزرگ‏ترين مرکز فرهنگي وهابيّت به‏نام (رابِطَةُ الْعالَم الْإِسْلاميَّة) طي اعلاميّه‏اي رسميّت و قطعي بودن‏اعتقاد به مهدويت را تصريح نموده و هرگونه مخالفت با مهدويّت را خلاف‏مسلّمات عقايد اسلامي مي‏داند.

در اين زمينه جز افراد معدودي مثل ابن خلدون (در سده‏هاي گذشته)قريب به اتفاق علماي اهل سنت بر آن اذعان داشته و صحّت آن را پذيرفته‏اند.بنابراين طي 14 قرن گذشته شايد 4 يا 5 نفر مجموعاً مهدويت نوعي رانپذيرفته باشند.

ب) مهدويت شخصي: در اين مورد اختلاف وجود دارد. يعني آيا آن مهدي‏که نبي مکرّم اسلام(ص) بشارت ظهورش را داده و احاديث متواتر پشتيبان‏اين عقيده است، همان مهدي متولّد شده به سال 255 هجري مي‏باشد؛ همان‏که از پدري به نام امام حسن عسکري(عج) و مادري به نام نرجس خاتون پاي‏به عرصه گيتي نهاده است؟

وهابي‏ها با اين مهدويت شخصي مخالف‏اند. ابن تيميّه در کتاب (منهاج‏السُّنّة) اين نظريه را مورد مناقشه و پرخاش قرار داده است. از سوي ديگررهبران وهّابي در اين خصوص مطالب فراواني به رشته تحرير درآورده‏اند. طي‏10 سال اخير حدود 10 تا 12 جلد کتاب مستقل در نقد مهدويت شخصي‏توسط وهابيت نگاشته شده است.

در اين زمينه مفصل‏ترين کتاب توسط (احمد الکاتب) نوشته شده، وي‏فردي ايراني و اصالتاً اهل استان فارس بوده است. اين کتاب با توجّه به همه‏پيگيري‏هاي نامبرده به دليل مسائل سياسي و ترس از تبعات بعدي درکشورهاي انگلستان و آمريکا چاپ نشد. وليکن متأسفانه مورد استقبال‏عربستان سعودي قرار گرفت و در اين کشور منتشر گرديد. هم‏اکنون اين کتاب‏در سايت‏هاي مختلفي به زبان عربي و فارسي گذاشته شده است.

در جواب به اين شبهه سعي کرديم با جمع‏آوري و انعکاس آرا و مستندات‏منقول از طرف 128 نفر از بزرگان اهل سنّت که در کتاب‏هاي خود نسبت به‏تولد حضرت ولي عصر(عج) در سال 255 هجري شهادت داده‏اند و از آن‏حضرت به نام‏هاي محمّد و مهدي از پدري به نام امام حسن عسکري(ع) ومادري به نام نرجس خاتون به صراحت نام برده‏اند، استفاده کنيم و جواب‏شبهه‏کنندگان را بدهيم.

امّا در مورد قسمت اوّل سؤال بايد بگويم همانگونه که تصريح گرديد با نشرفرهنگ شيعه، وهابيون و ديگر دشمنان قسم‏خورده تشيّع نه‏تنها شکست‏خوردند بلکه به سرعت رو به اضمحلال بوده و به سراشيبي انقراض رسيده‏اند.(دکتر غنيمان) از اساتيد دانشگاههاي مدينه به صراحت مي‏گويد:

نَحْنُ الْوَهّابيّه علي يقينٍ بأنَّ الْمذهَبَ الْإِثني عشري هُوَ الَّذي سَوف يُجْذَبُ إِلَيْه کُلُ‏اَهْلِ السُّنَّة وکلُّ الْوهّابيين في الْمُسْتَقْبَل الْقَريب.

او مي‏گويد ما وهابيون به يقين رسيده‏ايم، تنها مذهبي که در آينده‏اي بسيارنزديک اهل سنّت و وهابيّت را جذب خود مي‏سازد، جز مذهب شيعه نخواهدبود. با مراجعه به کتاب‏هاي (اَلْمَنْهَجَ الجَّديد والصّحيح في الحوار مَعَ‏الْوَهّابيين) صفحه 178 و در مقدمه کتاب (وهابيت از منظر عقل و شرع)اين مطلب به تفصيل آمده است. دکتر قفاري در کتاب خود به دولت عربستان‏سعودي از نشر و گسترش فرهنگ شيعي اعلام خطر مي‏کند. ايشان در جلداوّل و در صفحه نُه کتاب خود قريب به اين مضامين ترس و وحشت خود را ابرازنموده است.

فرهنگ شيعه جوانان ما را آلوده خود ساخته است. من اطّلاع دقيق دارم برخي‏قبايل ما همگي‏شان شيعه شده‏اند. بايد در مقابل اين فرهنگ قيام کنيد.

الآن در داخل کشور عربستان سعودي بين اعضاي هيأت دولت و دودمان‏آل سعود شکاف عميقي ايجاد شده و يک دسته به نام اصلاح‏طلب به رهبري‏ملک عبدالله به همراه مفتي اعظم عربستان سکّان رهبري عربستان سعودي‏را در اختيار دارند. آنان درصدد اصلاح فرهنگ اين کشور متناسب با شرايطامروزين دنيا بوده و به دنبال پي‏ريزي و تثبيت حاکميّت وهّابيت مدرن‏مي‏باشند. از سوي ديگر جرياني راديکال و افراطي به رهبري وليعهد عربستان‏قرار دارد که به همراه علماي تندروي وهابي در کش و قوس نزاع با پادشاه‏عربستان و هيئت همفکر ايشان وضعيت متشنجي براي اين کشور فراهم‏ساخته‏اند.

اينجانب بر اين عقيده هستم که وهابيّت تندرو کمتر از 5 درصد مردم‏عربستان را شامل مي‏شود که اگر اين 5 درصد دايره تأثيرگذاري‏شان در عرصه‏داخلي عربستان محدود شود و در عرصه بين‏الملل نيز آنها را بايکوت نماييم،وهابيّت ديگر حرفي براي گفتن نخواهد داشت.

سؤال: در خصوص کتاب‏هايي که در ردّ شبهات ناصر قفاري نوشته شده‏مختصري توضيح دهيد.

پاسخ: حدود 11 الي 12 کتاب در چند سال اخير در ردّ کتاب قفاري تدوين‏شده‏اند. از جمله کتابي در دو جلد توسط حجت‏الاسلام والمسلمين آقاي‏اسلامي نوشته شده و رساله دکتر عابدي و رساله يکي از اعضاي هيأت علمي‏مدرسه بنت الهُدي وابسته به (جامعة المصطفي العالميه) در اين باره است.نبايد از نظر دور داشت که کتاب ناصر قِفاري اثري معمولي نيست و مثل‏کتاب‏هاي ابن تيميّه، دکتر علي سالوس، عثمان الْخَميس و عائذ قرني به‏صرف تهيه مستنداتي در نقد آن حق مطلب ادا نمي‏شود؛ زيرا ايشان قبل ازنوشتن اين کتاب ابتدا به تمام کشورهاي شيعه‏نشين مسافرت کرده و با علماي‏شيعه بحث و مناظره داشته است. وي در مقدّمه کتاب خود عنوان داشته‏کتاب‏هاي شيعي بويژه بحارالانوار را صفحه به صفحه مطالعه نموده و سپس‏کتابش را تدوين کرده است.

حدود دو سال قبل مرحوم آيةالله فاضل لنکراني فرمودند: من کتاب قِفاري‏را مطالعه کردم و ديدم نويسنده ناجوانمردانه عليه عقايد شيعه حمله کرده وشبهات فراواني مطرح نموده است. ايشان فرمودند متأسفانه هر چه جستجوکردم جواب مناسبي از سوي حوزه و دانشگاه به نويسنده کتاب داده نشده و ازمن خواستند جواب متناسبي همراه ديگر دوستان براي نويسنده آماده کنم. ازآن تاريخ دو سال و نيم است که اين کار را با بهترين و توانمندترين محققان حوزه‏در مقطع دکتري شروع کرديم. اين همکاران سابقه 25 ساله پاسخگويي به‏شبهات را در کارنامه خود دارند. تا اين لحظه حدود 3 جلد از اين اثر آماده و درآينده‏اي نزديک به زيور طبع آراسته خواهد شد. در آماده‏سازي اين کتاب ازهمه نرم‏افزارهاي مورد نياز و قابليت‏هاي متعدد اينترنت استفاده شده‏همچنين از نظريات گرانقدر مراجع عظام تقليد و محققين توانمند بهره‏هاي‏فراواني برده‏ايم و به اين جهت بر خود مي‏باليم و اگر بخواهيم پاسخ‏ها را به‏تفصيل بياوريم اين مجموعه به بيش از 30 جلد خواهد رسيد.

سؤال: اخيراً با توجّه به موفقيّت‏هاي شيعه پس از پيروزي انقلاب اسلامي(در منطقه) بالاخص در کشورهاي افغانستان، عراق، لبنان و فلسطين‏شيعيان را ناجوانمردانه به همسويي با صليبيان متهم مي‏کنند. نظر حضرتعالي‏چيست؟

پاسخ: مشخص است که آنها از هر فرصتي براي ضربه زدن به شيعه استفاده‏مي‏کنند. در قضيّه مقاومت 33 روزه و نبرد حزب الله با صهيونيسم سه تن ازقوي‏ترين مفتيان وهابي به نام (دکتر عبداللّه بن جِبْرين) (شخصيت‏شماره 2 عربستان) (شيخ صَفَر اَلْهَوالي) و (شيخ عبدالرحمن‏اَلْبَرّاء) رسماً فتوا داده و هرگونه مساعدت به حزب‏الله و دعا براي پيروزي‏آنان را حرام شمردند. در قضيّه حماس و مقاومت 22 روزه غزه همه دنيا حتّي‏کشورهاي کمونيستي که اعتقادي به اديان آسماني ندارند تظاهرات وحمايت‏شان از حماس و ساکنين مظلوم غزه روز به روز فعال‏تر و رساتر برگزارگرديد، امّا مفتي اعظم عربستان به نام آل شيخ رسماً فتوا داد که اين تظاهرات‏بدعت و خلاف شرع بوده و انجام آن حرام است.

در عراق نيز آنها ما را به همکاري با صهيونيسم و آمريکا متهم مي‏کنند. اين‏در حالي است که مدّتي قبل رئيس جمهور عراق هنگام ارائه آمار کشته شدگان‏عراقي پس از هجوم آمريکا اعلام نمود از جمع هشتصد هزار کشته شده 75درصد آنها از شيعيان بوده‏اند. حال چگونه ممکن است بنا به گفته اين مقام‏مسئول (که خودش نيز شيعه نيست) در حالي که شيعه با صليبيون وصهيونيسم همکار است خود را نيز به اين شکل قرباني کند! در ادامه گزارش‏رئيس جمهور عراق 60 درصد عوامل بمب‏گذاري، انفجارات و عمليات‏هاي‏انتحاري را جواناني معرّفي نمود که از عربستان سعودي وارد کشور عراق‏شده‏اند.

به جهت اهمّيت، ذکر مواردي چند ضروري به نظر مي‏رسد که به اختصارتقديم مي‏گردد:

اگر بخواهيم براي پاسخ به شبهات و مقابله با امواج شبهه‏آفرين وهابيت باتمام توان وارد ميدان مبارزه شويم مي‏بايست سخنراني‏ها، کتاب‏ها و مقالات ماواقعاً ميداني و تأثيرگذار باشند و درواقع شاخصه‏هايي که براي اين عرصه بايد دراولويت برنامه‏ريزي ما قرار گيرد به شرح ذيل باشد:

شاخصه اوّل: ابتدا بايد دفاع و صيانت از معارف گرانسنگ مربوط به ائمّه‏معصومين عليهم‏السلام و حقّانيت اميرالمؤمنين علي(ع) بدون هيچ حدّ ومرزي در اولويت و خط مقدم اقدامات، راهبردها و برنامه‏ريزي‏هاي تبليغي وپژوهشي ما قرار گيرد. در کنار اين موضوع مي‏بايست عدم اهانت به اهل سنت وتقويت، استحکام و حفظ شاکله امت اسلامي نيز مورد توجّه و دقّت قرار گيرد.وليکن اين موضوع ضمن حفظ ظرافت‏هاي خاصّ خود با دفاع و صيانت ازمعارف اهل بيتِ عصمت و طهارت منافاتي نداشته و ما را در اهتمام به اين‏رسالت خطير محدود نمي‏سازد. همانگونه که در صحبت‏هاي مقام معظم‏رهبري در اعياد و مناسبت‏هاي مذهبي و در جمع اقشار مختلف جامعه بر اين‏مطلب تأکيد شده است.

براي اين منظور مي‏بايست براي حقانيّت علي(ع) از قرآن و آيات‏تطهير، مباهله و ولايت و دهها آيه ديگر استفاده نماييم. ابن عبّاس تعداد اين‏آيات را که در شأن حضرت علي(ع) نازل شده، 300 آيه معرّفي مي‏نمايد که‏در (مَعالِمُ التَنْزيل) به تفصيل با ذکر سندهاي مختلف آورده شده است. يااز رواياتي مثل حديث غدير، منزلت، دار و غيره استفاده شود، البته به صورتي‏جذّاب، عموم‏پسند و قابل پذيرش از طرف سطوح مختلف جامعه.

شاخصه دوّم: شبهاتي که در اين حوزه‏ها توسط وهّابيت و ديگر فرق ضدشيعي مطرح است با ادلّه محکم و استناد به منابع حديثي خودشان پاسخ داده‏شوند. اگر بخواهيم با آيه تطهير، عصمت و خلافت ائمه معصومين عليهم‏السلام‏و با آيه (إِنّما وليُّکُمُ اللّه) ولايت قطعي حضرت علي(ع) را اثبات‏نماييم بايد ابتدا شبهات آنان را مرتفع سازيم و تا اين شبهات پاسخ داده نشوندنمي‏توانيم کاربردي به اهداف مورد نظر دست يابيم. زيرا اين شبهات قوام، دوام‏و اثربخشي آثار تأليفي ما را تحت الشعاع خويش قرار مي‏دهند. بنابراين درپاسخ به اين شبهات مي‏بايست توانمندانه و با همه ظرفيت‏هايمان وارد ميدان‏مبارزه شويم.

شاخصه سوّم: همانگونه که آنها سيل عظيم شبهات را به سوي ما روانه‏مي‏سازند ما نيز بايد با طرح سؤالات فراوان، آنان را در موضعي تدافعي قراردهيم.

مثلاً گفته مي‏شود به دليل بالا بودن سطح اعتقادات مردم، پيامبراکرم(ص) براي آنان جانشيني معرّفي نکرد و انتخاب خليفه را به عهده‏مردم گذاشت. با اين اوصاف چرا ابوبکر، عمر را با همه اعتراضاتي که جملگي‏صحابه اعم از مهاجرين و انصار داشتند به جانشيني خود برگزيد؟ حتّي ابن‏تيميّه در کتاب خود (مِنهاجُ السُّنَّه) به اين موضوع اشاره مي‏کند ومي‏گويد: (مسلمان‏ها و صحابه به ابوبکر اعتراض کردند: (إِنَّکَ إسْتَخْلَفْتَ‏عَلَيْنا رَجُلاً فظاً غليظاً ماذا تقول لِرَبِّکَ إِذا لاقيتَه) اي ابوبکر فردي خشن را بر مامسلط کردي (به راستي) جواب خدا را چه خواهي داد؟ پس با طرح چنين‏سؤال‏هايي آن هم مؤدّبانه آنان در وضعيتي تدافعي براي پاسخ‏گويي قرارخواهند گرفت. بنابراين بايد سعي کنيم با رعايت اين شاخصه‏ها در تأليفات ومقالات خود، اثربخشي آنها را آنگونه که انتظار داريم، تضمين نماييم.